

مردانی بزرگ از ایل میربگ لرستان

در عهد قاجار و پهلوی

نویسنده

فروید جهانگیری



خرم آباد

انتشارات شاپورخواست

۱۳۹۵

سرشناسه	: جهانگیری، فرود. ۱۳۵۵.
عنوان و نام پدیدآور	: مردانی بزرگ از ایل میریگ لرستان / نویسنده: فرود جهانگیری.
مشخصات نشر	: خرم‌آباد: انتشارات شاپور خواست، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	: ۲۳۹ ص، مصور
شابک	: ISBN: 978 - 600 - 260 - 233 - 6
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
موضوع	: میریگ
موضوع	: طایفه‌ها -- ایران -- لرستان
موضوع	: لرستان -- تاریخ -- قرن ۱۳ق. - ۱۴
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۴ ج ۹ / ل ۷۲ DSR
رده‌بندی دیوبی	: ۹۵۵/۹۸۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۱۵۵۷۱



مردانی بزرگ از ایل میریگ لرستان

در عهد قاجار و پهلوی

نویسنده

فرود جهانگیری

ناشر و محل نشر: انتشارات شاپور خواست، خرم‌آباد - همراه: ۰۹۱۶۳۹۸۴۰۱۱

شمار: ۱۰۰۰ نسخه - نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵.

امور رایانه‌ای: فرشته صیادپیرانوند- طرح جلد: سهیمه اسدزاده

لیتوگرافی: آفتاب - چاپ: زیتون

شابک: ۶ - ۲۳۳ - ۲۶۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸

بها: ۱۷۰۰۰ تومان

فهرست

صفحه	عنوان
۱۱	پیش گفتار
۱۳	مقدمه
۲۳	لرستان
۲۸	دلفان
۳۳	ایل کاکاوند
۳۳	طایفه ایتیوند
۳۵	طایفه خاوه
۳۵	طایفه نورعلی
۳۵	طایفه چواری
۳۶	طایفه اولادقیاد
۳۶	طایفه سنجابی
۳۶	ایل میربگ
۴۵	داستان پلنگی بیژنوند
۴۵	علی ابدال خان موموند
۴۶	علیمردان خان موموند
۴۷	طهماسب خان موموند
۴۹	مهرعلی خان موموند
۵۰	حاج علی خان موموند
۵۳	جهانگیر خان موموند



- ۵۶ جنگ حسن بقیعه (حسن یخه)
- ۶۱ مأموریت فرهاد میرزا معتمدالدوله در دستگیری جهانگیرخان موموند
- ۶۳ حمله به منطقه خرم‌رود همدان به خاطر گرفتن حق سهم‌الارث ...
- ۷۰ آغاز دشمنی جهانگیرخان با برخوردارخان امرایی
- ۷۱ نبرد مادیان‌رود
- ۷۳ پایان زندگی جهانگیرخان موموند
- ۷۶ محمدیو، نم‌خان موموند
- ۷۷ مراد علی‌خان موموند ملقب به درویش‌خان
- ۷۸ نظر علی‌خان موموند (خان) ملقب به فتح‌الایاله
- ۸۱ طهماسب‌خان موموند ملقب به شهاب‌السلطان
- ۸۳ محاصره‌ی قلعه‌ی پارس‌آستان توسط طهماسب‌خان موموند
- ۸۴ رستم‌خان کاظمی موموند (ردار، شید)
- ۸۶ ولی‌خان شهریاری
- ۸۶ خانکه‌خان اسکندری
- ۸۷ احمدخان موموند (نظام‌لشکر)
- ۹۰ ساقی‌نامه
- ۹۱ جهانگیرخان جهانگیری موموند (خان)
- ۹۱ خسروخان جهانگیری موموند (سردار امنع)
- ۹۶ ماشاءالله‌خان جهانگیری موموند (سردار جنگ)
- ۹۹ حاج رستم‌خان نصرتی موموند
- ۹۹ کربلایی شفیع‌خان طهماسبی
- ۱۰۲ امان‌الله‌خان جهانگیری
- ۱۰۳ نبرد سه‌کلاوان
- ۱۰۸ نقش خوانین و سرکردگان میربگ و حتی دلفان در اکثر رویدادهای نظامی ...
- ۱۰۸ تعدادی از روحانیون بزرگ دودمان‌های علی‌ابدالی، کریم‌خانی و محمدخانی
- ۱۰۹ آیت‌الله حاج شیخ فرج‌الله کاظمی موموندی

۱۱۰	 آیت‌الله حاج شیخ محمد رضا کاظمی
۱۱۰	 حجت‌الاسلام عبدالله کاظمی
۱۱۰	 حجت‌الاسلام شیخ محمدقلی کاظمی
۱۱۲	 حجت‌الاسلام حاج شیخ لطفعلی کاظمی
۱۱۲	 آیت‌الله حاج شیخ محمدولی حیدری موموند
۱۱۳	 شعری از آیت‌الله حاج شیخ محمدولی حیدری (پدر بزرگوار شهید)
۱۱۳	 در بی‌رفایی دنیا
۱۱۵	 حجت‌الاسلام حاج شیخ ابراهیم طهماسبی
۱۱۵	 حجت‌الاسلام حاج شیخ اسد (علی حسین) نصرتی موموندی
۱۱۵	 حجت‌الاسلام حاج شیخ مهدی ده‌وندی
۱۱۶	 حجت‌الاسلام حاج شیخ محمد اسماعیل (انشاءالله‌خان)
۱۱۹	 شهدای والامقام و ارجمند از فرزندان خوانین میربگ
۱۲۳	 شهدای ارجمند دودمان علی‌ابدالی
۱۶۱	 نسب‌نامه‌ی خوانین ایل میربگ دلفان
۱۸۱	 اسناد طایفه موموند ایل میربگ دلفان
۲۲۱	 نمایه مکان
۲۲۷	 نمایه اشخاص

پیش گفتار

این کتاب توضیح مختصری در مورد یک سری از وقایع تاریخی، نحوه‌ی اداره و مهم‌تر از همه، معرفی تعدادی از شخصیت‌های برجسته و با لیاقت ایل میربگ خصوصاً در دوران حکومت قاجار و بعد از آن است. اسفانه با وجودی که این ایل بزرگ از گسترده‌ترین و پرجمعیت‌ترین ایلات لرستان می‌باشد، ولی در سال‌های گذشته، کسی اقدام به ثبت مطالب و رویدادهای تاریخی آن ننموده و این وقایع بیش‌تر به صورت سینه به سینه و نسل به نسل منتقل گردیده و یا توسط کتاب‌هایی که در گذشته در مورد تاریخ لرستان منتشر شده، می‌توان مطالبی خلاصه‌وار مربوط به آن را مشاهده نمود.

با توجه به این که ایل بزرگ میربگ از نظر عشایری، سیاسی، دیوانی، نظامی و نحوه‌ی اداره‌ی آن، همچون سایر ایلات و طوایف بزرگ تأثیرگذار لرستان مانند ایل بزرگ بیرانوند، امرایی، سلسله (حسنوند، یوسفوند و کولیوند)، پپی، میر، ایلات بزرگ بختیاری و طوایف بزرگ مانند سگوند، چگنی و غیره که در این استان، نهر، باستانی و متمدن مستقر می‌باشند، از نظر حکام مرکزی، والیان و رؤسای محلی لرستان و حتی حکام استان‌هایی مانند کرمانشاه و ایلام دارای اهمیت فراوان بوده است، این جانب به همراه پسرعموی ارجمندم جناب آقای بابک جهانگیری که در این کار زحمات فراوانی را متحمل شدند، به عنوان اولین گام اقدام به گردآوری و نشر این کتاب نمودم. هر چند در ابتدا هدف اصلی جمع‌آوری این مطالب، فقط توضیحی مختصر در مورد ایل بزرگ میربگ، محدوده‌ی جغرافیایی و زندگی قبیله‌ای آن و در نهایت شرح کاملی از وقایع مهم دوران زندگی جهانگیرخان موموند بود، ولی با عنایت به این مسأله که همواره



شخصیت‌هایی بزرگ و شایسته در تمام دوران‌های مختلف از ایل میربگ برخاسته‌اند، دیدیم زبینه‌تر است که به صورت خلاصه‌وار به ذکر نام تعدادی از این اشخاص نیز بپردازیم تا در بین نسل‌های جدید و حتی آینده، ارزش و اعتبار ایشان به باد فراموشی سپرده نشود. هر چند اگر بخواهیم در مورد هر کدام از این بزرگ‌مردان به طور کامل شرح دهیم باید یک کتاب جامع برای هر یک از آن‌ها به رشته‌ی تحریر درآید، ولی امید است این آغاز باعث گردد که افراد صاحب‌قلم و علاقه‌مند باز هم به طور کامل‌تر و جامع‌تر ادامه‌ی این کار مبادرت ورزند.

راغب‌الجارح فرصت را غنیمت شمرده و از تمامی شخصیت‌های با معلومات و فرهیخته‌ای که با دانش خود مانند دادن اطلاعات، تهیه‌ی شجره‌نامه، عکس و سایر جهات، وقت را از دست می‌دهد را در اختیار این کار گذاشتند، کمال تشکر و قدردانی را به عمل آورم. آقای جهانگیرخان جهانگیری، محمدحسین جهانگیری، عبدالرسول بهمانی، غلامحسین احمدزاده، فریدون احمدپور، حشمت‌الله کاظمی و فرزندشان قدرت‌الله کاظمی و همچنین آقای بابک جهانگیری برای تهیه‌ی اطلاعاتی در مورد روحانیون میربگ به تکمیل مطالب کتاب کمک شایانی فرمودند.

یقیناً نگارش مقدمه‌ی بسیار زیبا و با محتوای این اثر توسط استاد فرهیخته و صاحب‌قلم استان لرستان، جناب آقای ایرج کاظمی که خودشان دارای تألیفات فراوانی بوده و تجربه و علم ایشان بر هیچ‌کس پوشیده نیست می‌تواند ارزش فراوانی به این کتاب داده که این خود جای تقدیر و تشکر فراوانی از ایشان را دارد.

خرم‌آباد پاییز ۱۳۹۰ - فرود جهانگیری

مقدمه

گذر و نظری به پرتوگری (منوگرافی) ایللیاتی و نسب‌نامه‌ای طایفه‌ای به نام میربگ دلفان از نژادها با وجود همه تئوری‌ها و فرضیه‌های مردم‌شناسی همچنان در ابهام و دنیایی از رمز و راز فرو رفته و موجب اختلاف نظریه‌های فراوان شده است، اما وقتی به قبایل می‌رسیم و به‌ویژه قبایل لر برای آن‌ها این رمز کاملاً آشکار است. درباره منشأ لرها و منشأ نژادی آن‌ها عقاید گوناگونی ابراز شده است. لرها خود اسطوره آفرینش را از اسطوره آفرینش انسان در عقاید ایرانی گرفته و با عقاید اسلامی در هم است.

و اما اصل قضیه، بر اساس بررسی‌های به عمل آمده مردم‌شناسی، افسانه منشأ قبایل مانند افسانه منشأ نژادها با وجود همه تئوری‌ها و فرضیه‌های مردم‌شناسی همچنان در ابهام و دنیایی از رمز و راز فرو رفته و موجب اختلاف نظریه‌های فراوان شده است، اما وقتی به قبایل می‌رسیم و به‌ویژه قبایل لر برای آن‌ها این رمز کاملاً آشکار است. درباره منشأ لرها و منشأ نژادی آن‌ها عقاید گوناگونی ابراز شده است. لرها خود اسطوره آفرینش را از اسطوره آفرینش انسان در عقاید ایرانی گرفته و با عقاید اسلامی در هم

۱. ما در طبقه‌بندی سازمان‌های تعریف شده، عناوین متفاوتی را داریم نظیر قوم، ایل، قبیله، طایفه، تیره و خانوار که هر کدام در موضع خاص خود قرار دادند به طور مثال می‌گوییم قوم ایرانی، ایل بختیاری، طایفه حسوند، تیره جهان‌سلطانی، خانوار سرکشتی و غیره که هر کدام در چهارچوب مردم‌شناسی و دانش جامعه‌شناسی مشمول یک تعریف خاص می‌باشند.



آمیخته‌اند. برای آن‌ها نه تنها مبدأ آفرینش و آغاز هستی انسان و پیدایی او مشخص است، بلکه منشأ قبیله‌ها و طایفه‌ها نیز از صورت افسانه به در آمده و جنبه عینیت و حقیقت به خود گرفته است. در عقاید هر فرد ایل راجع به وجود او و قبیله‌ای که در آن زندگی می‌کند ریشه و هویتی می‌بینیم که از یک نیای مشترک سرچشمه گرفته و به تشکیل طایفه و قبیله او منتهی شده است. چیزی که در میان هر قبیله ابتدایی دیگر نیز می‌بینیم، با این تفاوت که این منشأ و یا نیای مشترک گاه انسان، گاه حیوان، گاه شیئی دانه گیاهی است و گاهی مخلوطی از همه این‌ها. در میان اقوام مختلف و قوم لر نیز چنین است. گو این که برخی از آن‌ها منشأیی غیر از انسان را جد اعلای خود می‌پندارند، و این اکثریت قبایل در مورد فردی که همه اعضای قبیله نسب خود را از وی می‌دانند اتفاق نظر دارند چنان که قبائل سلسله خود را از نسل مرد مهاجری به نام "سلسال" یا "سلسه‌ناه" می‌دانند که قرن‌ها پیش با خانواده خود به این محل مهاجرت نموده و دارای فرزندان زکوری به نام‌های حسن، کولی و یوسف بوده‌اند که امروز قبایل حسنونند، کولی‌وند و یوسف‌وند را تشکیل می‌دهند. چگنی‌ها نیز خود را از اولاد احمدبگ نامی می‌دانند که حدود پنجاه سال قبل به این نواحی آمده و به خاطر ازدواج با دختر کدخدای میرزاوند، صاحب ۲۴ فرزند پسر شده است که تیره‌های مختلف چگنی از اخلاف وی به شمار می‌روند. این‌ها به‌طور درباره قبائل دلفان معتقدند که دلفان مردی از اعراب مهاجر بوده که به صورت اسیر جنگی از زندان نهاوند رها و سپس به این سرزمین یعنی دشت خاوه آمده و در آنجا شکار و کشاورزی کرده و خانواده داده است و قبایل ایتوند، مومه‌وند، کاکاوند و تیره‌های فعلی این طوایف وابسته به او است و بر این اساس مردم این منطقه نیز برای خود چنین شجره‌ای را ترسیم کرده‌اند.^۲ همچنان که بهاروندها هم خود را از نسل بهار نامی می‌دانند و بیرانوندها هم از نیای مشترکی به نام میرزا احمد سخن می‌گویند. البته باید گفت همه این قرائن و قول‌ها و گفته مبنای علمی و برگرفته از یک حقیقت محض نداشته و جای تأمل و تحقیق یا پژوهش‌های

۲. آنچه که حاج‌علی رزم‌آرا (سپهبد و نخست‌وزیر سال ۱۳۲۹ ش.) در کتاب جغرافیای نظامی خود درباره نژاد و ریشه مردم دلفان نگاشته و وی آن را از معمرین و روایت‌کنندگان آن گرفته است چیزی جز یک فرضیه آن هم ساخته و پرداخته و افسانه‌سرایی نمی‌تواند باشد

بیش‌تری را می‌طلبید. با همه این‌ها باید گفت که افسانه نیای مشترک و اعتقاد به آن در بین قبائل لر چنان محکم و قوی است که نه تنها عامل اصلی ساخت قبیله‌ای به حساب می‌آید و ارتباط با این نیا انسجام قبیله‌ای را استحکام می‌بخشد، بلکه قبیله را یکپارچه و هم‌آهنگ می‌سازد، همان‌طوری که وظایف و تعهدات و حقوق و امتیازاتی را برای هر عضو و قبیله نیز به وجود می‌آورد که صیانت تمام زندگی اجتماعی و اقتصادی آن‌ها را تعیین می‌کند. محور همه باورها و روابط و مناسبات قبیله‌ای بوده و موجب بقا و تداوم زندگی و هستی آن‌ها است. نکته‌ای که در اینجا قابل تأمل است این موضوع می‌باشد که تنی چند از محققان پژوهشگران عرصه تاریخ لر‌ها را از نظر نژادی وابسته به قوم کرد می‌دانند. مطلبی نادرست. فرضیه‌ای باطل. به طور مثال طبری ذیل تاریخ سال‌های ۲۹ و ۳۳ هجری قمری در کتاب تاریخ خود به نام تاریخ طبری قبایل زاگرس را کرد می‌نامد و همین‌طور ابن حوقل می‌گوید که شهرها و دهکده‌های کوهستان‌های ایران شرقی و صحاری مورد سکونت کردها را کدا صاحبان گله‌های شتر و گوسفند کردها و لر‌ها می‌باشند که از یک ریشه نژادی هستند. بار می‌بینیم که امین زکی، مؤلف کتاب کورد و کوردستان در مورد لر‌ها می‌نویسد: «بدون تردید لر‌ها از نژاد کردها به حساب می‌آیند چرا که آنان زبان کردها را به خوبی درک کردند. حتی بیرون‌نژادها را که خود در میان آنان مدتی بوده است از نژاد کرد می‌داند. نظریه علمای غربی و خارجی از دایره تحقیق و پژوهش‌های مبتنی بر جامعه‌شناسی ایلیاتی. بنابر این که دو تن از دانشمندان معروف جامعه‌شناس، "هوسه" (Haussay) و "شندلر" (Schindler) هم تحت تأثیر دیگران این گفته‌ها را تکرار کرده‌اند. درحالی‌که "بارتولد" (BarThold) جامعه‌شناس معروف در کتاب جغرافیای تاریخی ایران می‌نویسد: «وجنات و بشره آریایی لر‌ها، بیش از ایرانیان، خالص و محفوظ مانده است.» هر چند که این قاطعیت را محققان دیگر مورد تردید قرار داده‌اند. اما "گورد کرزن" (G. Curzon) نویسنده انگلیسی می‌گوید: «یکی از مسائل و معماهای لاینحل تاریخ آن است که لر‌ها کی هستند؟ از کجا آمده‌اند؟ مردمی بدون تاریخ و بدون ادبیات و حتی روایات.» این نظریه نیز کاملاً مردود است و غیر علمی چرا که تاریخ سرزمین ماد و قوم کاسیت مبین این است که قوم یا نژاد لر با توجه به منشأ آفرینش و در کنار آن وحدت تاریخی و همه جهت نماینده



واقعی یک قوم روشن، زنده و با هویت تاریخی است. خلاف نظریه کرزن، "راولینسون" (Rawlinson) محقق نامدار انگلیسی لرها را مردمی جالب و آن‌ها را از نژادهای اصیل آریایی و بازمانده کاسی‌ها می‌داند و حتی باقی‌مانده قوم سامی که در دوارن قدرت عیلام و آسوری‌ها در مغرب فلات ایران عناصر نژادی غالب را تشکیل می‌دادند و به حساب آورده‌اند. در یک جمع‌بندی منصفانه اکثر محققان، لرها را از بقایای نژاد خالص ایرانی و آریایی می‌دانند. برای صحت این ادعا "آرتور دوبوا" (Arthur, w. du, Bois) دانشمند فرانسوی در گزارشی که در سال ۱۹۳۸ درباره لرها تهیه کرده است آن‌ها را اصلی‌ترین نژاد آریای می‌داند که در نیمه اول هزاره اول قبل از میلاد از ناحیه شرقی دریای خزر به این منطقه مهاجرت کرده‌اند. در کنار این فرضیه‌های گاه متناقض پاره‌ای از نویسندگان و محققان لوله‌بی‌ها را اجداد لرها تصور کرده‌اند. اما با وجود همه این حرف و حدیث‌های به میان آمده، باید گفت که از دیدگاه تاریخ و علمی‌تر و بهتر منطقه لرستان تا قسمت شمالی زاگرس در گذشته‌های دور جزو حکومت عیلام قدیم بوده است و منطقه مورد سکونت فعلی لرها، مرکز کاسی‌ها به شمار می‌آمده است و تا حدود میلاد مسیح هم نشانه‌های آن‌ها را هنوز در همان منطقه می‌یابیم.^۳

درباره ساکنان قدیم لرستان دکتر "گونتنو" (Dr. GonTenau) دانشمند و جامعه‌شناس فرانسوی می‌نویسد: «در هزاره چهارم پیش از میلاد، مردمی از دشت‌های جنوب سیبری و روسیه کوچ نموده به کوه‌های زاگرس، سیده و در آنجا جابجا شده‌اند که آن‌ها را "آزیایی" (Asianique) می‌گویند. در هزار سوم باز همان سرزمین دسته دوم مهاجرت و به کوه‌های زاگرس رسیدند که آن‌ها را آریایی و ساسانی و هند و اروپایی گفته‌اند. این دو دسته پس از زد و خوردهایی سرانجام و به ناچار با هم آمیخته و وحدتی یک‌رویه را دنبال کردند. آن‌ها مشترکاً، بین‌النهرین را اشغال نموده‌اند و ساکنان آن‌ها را گوتی، کاسی نام نهاده‌اند. وی همچنین می‌نویسد قسمتی از آریایی‌ها که در ترکستان شوروی امروز جمع شده بودند سرانجام به سوی جنوب ایران حرکت و در آنجا

۳. لرستان در دوران گذشته قبل از اسلام دارای سه قسمت: گریانه، کابیانه و مساباتیک بوده است. بعد از اسلام به دو منطقه ماسبدان و مهرجان قنق تقسیم گردید. در زمان صفویه به دو بخش پشتکوه و پیشکوه قسمت شد. این تقسیم‌بندی تا زمان پهلوی اول وجود داشت ...

دو قسمت شده، یک دسته از کوه‌های هیمالیا گذشته به هندوستان رفته ملت هند را تشکیل داده و قسمتی دیگر در ایران و نام ایران را تعمیم دادند. بعید نیست آمدنشان به ایران ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد باشد. قسمتی از آن‌ها که در دشت مانده به نام پارس نامیده شدند و قسمت دیگر به کوه‌های زاگرس رفتند و بر حسب طوایف خود گروه گروه شده به نام‌های لولو، گوتی، کاسی، مانا، کاردوش، خالدی و ... ماد معروف شده‌اند. اما این نظریه با جستجو با تحقیقات بعدی دانشمندان تطبیق نمی‌نماید زیرا تحقیقاتی که به وسیله تحقیقاتی همچون گیرشمن و دیاکونف انجام گردید آریایی بودن کاسی‌ها، لولوبی‌ها و حتی مانا را محرز ترید قرار داده‌اند و آن‌ها را از قوم آریایی دانسته‌اند.

لرد کرزن دربارهٔ بقیه آن‌ها سخن را از عیلامی‌ها آغاز می‌کند و می‌نویسد: «قبایل عیلام سلطه و قدرت بر آن‌ها را قبول نداشتند و در مقابل اسکندر مقاومت کردند».

هنری فیلد در همین رابطه می‌نویسد: «در تاریخ ثبت است که هخامنشیان (در حدود ۵۵۰-۳۳۰ قبل از میلاد) به لرها تسلط می‌دادند. در زمان شاه عباس (۱۶۲۹-۱۵۸۷) دولت یا حکومت مجبور شد برای سرکوب لرها نیروی نظامی به آنجا اعزام دارد.^۴ و اما درباره نژاد لک‌های ایران هنری فیلد می‌نویسد: لک‌ها، قبیله‌ای بادیه‌نشین بوده‌اند که در تمام ایران پراکنده‌اند و مرکز عمده آن‌ها نزد قزوین و ایالات فارس و مازندران بوده. وی آن‌ها را از نژاد اصیل آریایی می‌داند. اما انصافاً بر همه این فرضیه‌ها و گفته‌ها، رابینو دلفان‌ها را از اصیل‌ترین نژاد ایرانی و از نسل کاسی‌ها می‌داند که به شجاعت و دلیری معروف بوده‌اند و آن‌ها را لک به حساب می‌آورد. او می‌گوید: «دلفان‌ها از نژاد خالص آریایی و قبل از قبایل عرب، ترک تاتار و مغول در سرزمین ایران سکونت داشته‌اند و زبان آن‌ها یکی از لهجه‌های پارسی اصیل است و برخی نیز گویش لکی را با زبان پهلوی ساسانی نزدیک دانسته و آن‌ها را بازمانده همان زبان می‌دانند.

۴. داستان حمله شاه عباس به لرستان به زمان حکومت شاهوردی‌خان بر می‌گردد که ابتدا وابسته سیدی شاه عباس بود و اختلاف بین آن دو موجب حمله شاه عباس به لرستان و قتل شاهوردی‌خان آخرین اتابک لر و انصافاً بهترین حاکم یا اتابک همه دوران پانصدساله حکومت آن‌ها شد. وی مردی شجاع، باغیرت و شمشیرزن بود.